

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا
مقاله پژوهشی، سال نهم، شماره ۳۵، بهار ۱۴۰۴، صفحات ۶۳ تا ۷۶
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸

بررسی ماهیت نهاد داوری در فقه و حقوق ایران

امیرمحمد توکلی^{A*} مدرس گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، اسلامشهر، ایران.
محمدرضا عضدی^B کارشناسی حقوق، دانشکده حقوق، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد
اسلامشهر، ایران.
مینا رستگارمنش^C کارشناسی حقوق، دانشکده حقوق، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد
اسلامشهر، ایران.

چکیده

امروزه، داوری یکی از شیوه های حل اختلاف و فصل خصومت تخصصی و سریع محسوب می شود که به طرفین اختلاف امکان می دهد بدون مراجعه به دادگاه بتوانند فرد یا افرادی را که مورداعتمادشان است برای حل و فصل اختلاف انتخاب کنند. در بحث فقهی از داوری لازم است مبانی و ادله مشروعیت این شیوه فصل خصومت بررسی شود و ماهیت آن با دقت تعیین گردد و نیز به آثار این شیوه فصل خصومت بر طرفین اختلاف، بر شخص داور و بر سایر افراد اشاره نمود. ماهیت این شیوه حل اختلاف اگرچه کم و بیش در حقوق بررسی شده، اما از نظر فقهی کمتر مورد بحث حقوق دانان قرار گرفته است، این در حالی است که فقهای امامیه بدان توجه خاص و مبسوط مبذول داشته اند. لذا، گروهی از حقوقدانان بر مبنای رکن قراردادی، داوری را دارای ماهیتی قراردادی، گروهی تشابه عملکرد داور به قاضی دادگاه دولتی را دلیلی برای حمل ماهیت قضایی و در نهایت گروه سوم با ترکیب این دو، داوری را دارای ماهیتی مختلط می دانند. اظهار نظر راجع به برخی از حقوق و تکالیف طرفین دعوا و داوران از جمله استقلال و بی طرفی داور که رابطه مستقیم با ماهیت حقوقی داوری دارد، بنابراین با وجود این اختلافات پژوهش حاضر در به دنیا این است که ماهیت نهاد داوری و جایگاه آن را در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران بررسی کند. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش به صورت کتابخانه ای و اینترنتی است. یافته های پژوهش نشانگر این است که ماهیت نهاد داوری دارای دو اثر قراردادی و قضایی می باشد.

واژگان کلیدی: نهاد داوری، فقه، حقوق ایران، نظریه قراردادی، نظریه ترکیبی، نظریه قضایی، نظریه مستقل.

^A * نویسنده مسئول: Email: Amirmohamad.tavakoli@gmail.com

^B Email: mohammadreza_azodi@yahoo.com

^C Email: minarastegarmanesh@gmail.com

مقدمه

داوری یا حکمیت عرفاً به تأسیسی اطلاق می‌شود که به طور خصوصی و علی‌الاصول غیردولتی به رسیدگی قضایی می‌پردازد. استفاده از این مکانیسم سبب می‌شود که دعاوی در چرخه رسیدگی قضایی دولتی قرار نگیرد و در بند مقررات حقوق عمومی و سازمان قضایی رسمی نشود. [۱] بنابراین حل و فصل هر دعوی به فرد یا افرادی محول می‌شود که برای این منظور تعیین می‌گردند که حکم یا داور خوانده می‌شوند. تأسیس حکمیت و داوری در سراسر جهان کنونی مورد توجه و اقبال است و با توجه به خصائص برجسته داوری و اجرای بهتر آراء آن از یک طرف و مشکلات عدیده‌ای که بر سر راه رسیدگی‌های قضایی وجود دارد از سوی دیگر، موجب گردیده تا از داوری استقبال شده و گرایش به حل و فصل دعاوی از طریق داوری بیشتر شود. [۱]

بنابراین استفاده از این شیوه سبب شده است تا از قوانین و مقررات بسیاری چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین‌المللی مورد پذیرش و تصویب قرار بگیرد. لذا در خصوص سابقه نهاد داوری در حقوق ایران برمی‌گردد به قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۲۸۹ هجری شمسی. در این قانون صراحتاً در ماده ۷۵۷ و ۷۶۱ به نقش تراضی طرفین در ارجاع اختلاف خود به داوری اشاره شده است. بعد از این قانون، قانون حکمیت مصوب ۱۳۰۶ هجری شمسی به مسأله داوری و نیز صراحتاً اراده و تراضی طرفین در خصوص مراحل مختلف داوری از جمله ارجاع اختلاف به داوران، تعیین داوران و مرتفع شدن داوری با تراضی آنها را مورد اشاره قرار داده بود.

همچنین قوانین دیگری از جمله قانون حکمیت مصوب ۱۳۱۳ هجری شمسی، قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ هجری شمسی و به ویژه قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ به نهاد داوری پرداخته و مورد پذیرش قرار داده‌اند. بنابراین با وجود تصویب قوانین و مقررات داخلی، بین‌المللی و مواردی که در فقه در خصوص ماهیت نهاد داوری، اما هنوز در خصوص ماهیت و مبنای این نهاد با سابقه اختلاف نظرهای وجود دارد و نظریه‌ای که مورد اتفاق نویسندگان و یا حقوقدانان باشد وجود ندارد.

پرسشی که در این پژوهش به دنبال پاسخ به آن هستیم این هست که جایگاه نهاد داوری در فقه و حقوق ایران چگونه تبیین شده است؟ به طور کلی می‌توان اینگونه پاسخ داد که نهاد داوری یکی از روش‌هایی است که هم در حقوق موضوعه ایران و هم در فقه امامیه، خصوصاً در معاملات و قراردادهای خصوصی، برای حل و فصل اختلافاتی فی‌ما بین، با در نظر گرفتن اصول صحیح مدون داوری، علی‌الخصوص اصل بی‌طرفی داور یا داوران مورد توجه قرار گرفته است که در این پژوهش برای پاسخ به پرسش مطرح شده و شناخت بهتر موضوع ابتدا به بررسی مفهوم نهاد داوری سپس ویژگی‌های داوری، ماهیت حقوقی نهاد داوری که در این قسمت به چهار نظریه متفاوت و مختلف ارائه شده از سوی حقوقدانان و جایگاه آنها در سیستم حقوقی ایران می‌پردازیم و در ادامه ماهیت فقهی نهاد داوری و سپس بحث را با یک نتیجه‌گیری به اتمام خواهیم رساند.

۱- مفهوم نهاد داوری

داور در لغت به معنای کسی است که میان مردم حکم و فصل دعوی نماید. [۲] در واژه فارسی معادل «حکم» در زبان عربی و در اصطلاح حقوقی فصل اختلاف بین طرفین در خارج از دادگاه به وسیله شخص یا اشخاصی که طرفین یا ثالث آنها را در این جهت انتخاب نموده، است. [۳] لذا داور در پی حل اختلاف و فصل خصومت بین طرفین دعوی است. بنابراین، هدف داور اعم از داور مرضی الطرفین یا داور منتخب، دادگاه حل و فصل اختلاف است. بنابراین در تعریف داوری می توان گفت، توافق طرفین در ارجاع مأموریتی قضایی به شخص یا اشخاص مرضی الطرفین است که با تجویز قانون، به داوری مشروعیت می بخشد. توافق اراده طرفین در ارجاع اختلاف به داوری (موافقتنامه داوری) ممکن است به صورت قرارداد داوری و یا شرط ضمن عقد صورت گیرد. [۴] همچنین در قوانین کشور به ویژه قانون آیین دادرسی مدنی از نهاد داوری تعریفی ارائه نشده است بلکه از مفهوم مواد قانونی مندرج در فصل هفتم از قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ می توان اینگونه برداشت کرد که؛ نهاد داوری عبارتست از: «رفع اختلاف بین متداعین در خارج از دادگاه از دادگاه به وسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی الطرفین و یا انتصابی».

از جمله قرارهای قانون آیین دادرسی مدنی می توان به قرار ارجاع به داوری اشاره کرد. قانو نگذار در تعریف قرار در ذیل ماده ۲۹۹ چنین مقرر می دارد: «چنانچه رأی دادگاه راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن به طور جزئی یا کلی باشد، حکم و در غیر این صورت قرار نامیده می شود». لذا قرار به تصمیمی گفته می شود که راجع به ماهیت دعوا و قاطع آن نیز نباشد. قرارها مثل احکام، قسمت عمده تصمیمات (اعمال) دادگاه ها را تشکیل و رأی به حساب می آیند. در قانون آیین دادرسی مدنی، قرارها از جهات مختلف تقسیم بندی شده است که از آن جمله می توان به قرارهای اعدادی، قرار نهایی و غیرنهایی، قطعی و غیرقطعی اشاره کرد. در اینکه قرار ارجاع امر به داوری در زمره کدامیک از اقسام داوری است، با توجه به ماهیت داوری و فلسفه ارجاع به داوری، می توان گفت که این قرار در زمره قرارهای اعدادی یا مقدماتی به شمار می آید که پرونده را برای صدور رأی قاطع آماده می کند.

در خصوص مفهوم نهاد داوری در فقه می توان بیان داشت که، در فقه به معنای سازوکارهایی است که به حل و فصل اختلافات حقوقی و قضایی می پردازد. در سیستم های حقوقی اسلامی، داوری به عنوان یک روش مختار و غیررسمی برای حل و فصل دعاوی مطرح است و معمولاً بر مبنای توافق طرفین صورت می گیرد. لذا، در فقه، داوری از اهمیت ویژه ای برخوردار است و می تواند در مواردی که طرفین پرونده های طولانی در محاکم رسمی را نمی خواهند یا نمی توانند تحمل کنند، به کار گرفته شود. نهاد داوری می تواند در زمینه های مختلفی مانند مسائل تجاری، خانوادگی، و اجتماعی انجام شود. بنابراین حکمیت یا داوری و قضاوت نمودن و گاهی به معنای تعیین و نصب حکم از نظر فقه شیعه همانند اهل سنت معتقد به سنت یا استدلال عقلی نیستند بلکه از دلایل مهم مشروعیت داوری را، اجماع می دانند، و چنین، حکمیت یا داوری را معرفی می نمایند: «اذا تراضی نفسان برجل من الرعیة یحکم بینهما، وسألاه الحکم بینهما، کان جائزاً بلاخلاف، فاذا حکم بینهما لزم الحکم ولیس لهما بعد ذلک خیار ...» بنابراین تعریف شیخ طوسی از حکمیت

۶۵ بررسی ماهیت نهاد داوری در فقه و حقوق ایران (امیرمحمد توکلی، محمدرضا عضدی، مینا رستگارمنش)

یا داوری چنین است: «اگر دو نفر توافق کنند که کسی از مردم میان این دو حکم کند و آن کس چنین کند، جایز است بدون نظر خلاف و حکمش هم الزام آور است». [۵]

۲- ویژگی های نهاد داوری

برای اینکه مفهوم نهاد داوری مشخص شود و تفکیک بین این روش حل اختلاف با دیگر روش های حل اختلاف برای ما سهل و آسانتر شود، ناگزیر از بررسی ویژگی های نهاد داوری هستیم و در ادامه برای تبیین مفهوم نهاد داوری به برخی از ویژگی های این نهاد می پردازیم.

۲-۱- موافقت نامه داوری

موافقت نامه داوری توسط طرفین صورت می گیرد. این قرارداد زمینه داوری را مهیا می سازد تا در صورت ایجاد اختلاف فی مابین طرفین، داور یا هیأت داوری صلاحیت رسیدگی به اختلاف به وجود آمده را به دست آورند. این قرارداد امکان دارد، به صورت مستقل از قرارداد اصلی یا به صورت شرط ضمن عقد تنظیم گردد. در هر دو حالت اراده طرفین در ارجاع به داوری مؤثر است و یکی از طرفین بدون توافق طرف دیگر نمی توانند اراده خود را بر ارجاع اختلاف به داوری مسلط نماید. این ویژگی، داوری را از سایر روش ها متمایز می کند زیرا برای ارجاع اختلاف یا حل و فصل آن در دیگر روش ها نیازی به تنظیم قرارداد فی مابین نیست.

۲-۲- وجود اختلاف فی مابین طرفین

داوری یکی از شیوه و روش های حل اختلاف است، بنابراین تا هنگامی مابین اشخاص اختلافی وجود نداشته باشد، هرچند توافقنامه ای در مورد داوری وجود داشته باشد، امکان شروع داوری وجود ندارد، به عبارت دیگر قرارداد داوری به تنهایی نمی تواند کلید شروع به داوری را روشن کند، بلکه باید بعد از توافق طرفین در ارجاع به داوری، در مورد موضوع قرارداد اصلی اختلافی به وجود آید و آن اختلاف به حدی برسد که نیاز به داوری احساس شود، زیرا ممکن است طرفین با وجود قرارداد داوری از روش های کم هزینه تر بر سر اختلاف مانند روش کدخدامنشانه، مذاکره یا سازش به توافق برسند.

۲-۳- رسیدگی به اختلاف فی مابین طرفین و صدور رأی

در این مرحله از داوری، داور یا داوران نیازی به توافق طرفین ندارند و همانند محاکم به اختلاف رسیدگی و با صدور رأی، اختلاف را فیصله می دهند. این ویژگی با رسیدگی قضایی مشابهت دارد اما با دیگر روش های حل اختلاف تمایز دارد، در روش های دیگر مانند سازش و میانجیگری با وجود اینکه سعی شود که طرفین را به حل و فصل اختلافات راهنمایی کنند ولی تا طرفین به آن رضایت ندهند و مورد قبول آنها واقع نشود، نتیجه آن هیچ اثر حقوقی برای طرفین اختلاف ندارد.

۲-۴- صدور رأی داوری

صدور رأی در نهاد داوری باید مستند به اصول حقوقی و مبانی حقوقی صادر شود. [۶] بدین معنا که داور در تصمیم گیری های خود باید بر اساس قواعد و استانداردهای قانونی و حقوقی عمل کند. این به دو نکته اصلی اشاره دارد:

۱) استناد به قوانین؛ یعنی داور باید به قوانین و مقررات موجود در نظام حقوقی مربوطه استناد کند. این قوانین می‌توانند شامل قوانین مدنی، تجاری، کیفری و سایر قوانین مرتبط باشند؛
 ۲) توجه به اصول حقوقی؛ یعنی علاوه بر قوانین خاص، داور باید به اصول کلی حقوقی نیز توجه کند، مانند انصاف، عدالت و رعایت حقوق طرفین دعوی. بنابراین، این اصول به داور کمک می‌کنند تا تصمیمی عادلانه و منطقی اتخاذ کند. به طور کلی، رأی داور باید منطقی، مستند و با توجه به قوانین و اصول حقوقی ارائه شود تا اعتبار و قابلیت اجرا داشته باشد.

۳- ماهیت فقهی نهاد داوری

در خصوص ماهیت نهاد داوری بیشتر فقهای امامیه معتقدند که نهاد داوری همان قضاوت تحکیمی است اما عده ای دیگر معتقدند داور، وکیل طرفین اختلاف و داوری نوعی وکالت است. این نظریه اگرچه در بین عده ی معدودی از فقهای امامیه دیده می شود اما رواج آن بیشتر توسط برخی از فقهای اهل سنت مطرح گردیده است. [۷]

در فقه امامیه نظریه مشهور فقها تعیین ماهیت قضایی برای داوری است و داوری را قضاوت تحکیمی دانسته اند. شیخ طوسی با اشاره به آیه ۳۵ سوره نساء مربوط به داوری، در هنگام اختلاف میان زوجین معتقد است منظور از حکم در این آیه قاضی تحکیم است و منظور تعیین حکم بین زوجین بصورت توکیل نمی باشد. [۸] با این توضیح که داوری و حکمیت دعاوی خانوادگی خصوصیت چندان ویژه ای ندارد، فقها آن را به سایر موارد داوری و حکمیت تعمیم داده اند و تفکیکی بین ماهیت داوری در حل اختلاف زوجین و دیگر داوری ها ننموده اند.

شهید ثانی نیز در مورد این آیه بیان می دارد اکثر فقها بر این عقیده اند که داوری در این آیه همان تحکیم است زیرا خداوند از داوران به حکم تعبیر کرده است و انتخاب و بعثت آنها را متوجه حکام نموده است نه متوجه زوجین و وکیل مأذون حکم نیست. [۸] واضح است که ماهیتی که فقها برای داوری مطرح کرده اند در حیطة حل و فصل اختلاف در قلمرو یک کشور و به صورت داخلی و نه داوری بین المللی می باشد. در مقابل این نظریه برخی از فقها اسلامی متمایل به نظریه قراردادی شده اند و نظریه وکیل بودن داور را پذیرفته اند. مرحوم ابن براج در کتاب الکامل فی الفقه خود نظریه توکیل را پذیرفته اما در آثار بعدی خود از این نظریه عدول کرده و همان نظر مشهور یعنی تحکیم را پذیرفته است. وی در کتاب المذهب خود به این تغییر دیدگاه اذعان نموده و می گوید اگرچه در کتاب « الکامل فی الفقه » گفتم که به صورت توکیل است اما صحیح این است که گفته شود به صورت قضاوت تحکیمی می باشد زیرا اگر توکیل باشد تابع مقررات وکالت و شرایط آن خواهد بود، در صورتی که چنین نیست. [۸]

به غیر از ایشان در میان فقهای امامیه اگرچه سایرین نیز به نظریه وکیل بودن داور اشاره کرده اند اما ظاهراً آن را صرفاً جهت رد نظر برخی از اهل سنت آورده اند و طی بررسی به عمل آمده کس دیگری یافت نشد که این نظریه را پذیرفته باشد. از میان علمای اسلامی بیشتر در میان برخی از فقهای عامه این نظریه دیده می شود. از جمله مرحوم فاضل هندی قول به توکیل را به مذهب

مالکی و برخی از شافعیه نسبت داده است اما شیخ طوسی این نظریه را متعلق به ابوحنیفه دانسته است. [۸]

۴- ماهیت حقوقی نهاد داوری

در خصوص چیستی و ماهیت نهاد داوری نظریات متفاوتی از سوی حقوقدانان ارائه گردیده که می توان در چهار نظریه مطرح نمود در ادامه به بررسی هر یک از این چهار نظریه خواهیم پرداخت.

۱-۴- نظریه قراردادی

طبق این نظریه قرارداد جوهره اصلی داوری است که به صورت داوطلبانه بین طرفین منعقد شده است. [۶] به دیگر سخن آنچه باعث وجود داوری یا هستی آن خواهد شد، همان توافق میان طرفین است که با اراده آزاد و بدون دخالت حاکمیت منعقد شده است. لذا باید دانست هر طریقی توسط قانون یا دادگاه جهت حل اختلاف به طرفین تحمیل شود، دیگر موضوع داوری تلقی نمی گردد. [۹] طبق این نظریه تکیه نهاد داوری بر قرارداد است و داوران قدرتی به غیر از آنچه از قرارداد کسب می نمایند، ندارند و تصمیم آنها تکمیل و به انجام رسانیدن قراردادی است که اجرای آن را تضمین می نماید. لذا به نهاد داوری نمی توان ماهیتی غیر از ماهیت قراردادی اعطا نمود. [۱۰] در واقع نهاد داوری ماهیتی داوطلبانه دارد، نظامی است که به وسیله خود طرفین به وجود می آید و نظام خصوصی قضاوت و احقاق حق است. تشریفات دادرسی و صلاحیت داوری توسط اصحاب دعوا تنظیم می شود و خود آنها هستند که بدون مداخله دستگاه قضایی دولتی اختیارات و وظایف داوران را کنترل می کنند. [۱۱] پس مطابق نظریه قراردادی به جز استثنائات مربوط به داوری پذیری موضوع اختلاف و نظم عمومی که برای دادگاه ها محفوظ است دادگاه ها مداخله ناچیزی نسبت به فرایند و نتیجه دادرسی دارند. [۱۲] در واقع همانگونه که آزادی طرفین نامحدود نیست آزادی آنها نسبت به داوری نیز نمی تواند نامحدود باشد و محدودیت های نظم عمومی در جایی که حل اختلاف به وسیله داوری ارزش ها با منافعی که به غیر از طرفین مربوط است با اصول قانونی ای که سبب ایجاد عداوت به صورت فراگیر می شود را تحت تأثیر قرار می دهد باید پذیرفته شود بنابراین از نظر طرفداران نظریه قراردادی این نظریه با وجود نقش قضایی در داوری به منظور تضمین عدم نقض نظم عمومی قابل اجرا سازگار می باشد و اثر نظم عمومی در واقع جلوگیری از به خطر افتادن حقوق اشخاص ثالث، آحاد مردم و حتی خودمختاری کامل طرفین در نتیجه داوری می باشد. [۱۳]

با این وجود در خصوص جایگاه این نظریه در فقه می توان گفت که این نظریه در فقه مورد پذیرش قرار گرفته است البته می توان اذعان داشت که در فقه عنوانی به اسم داوری وجود ندارد بلکه نهادی تحت عنوان «قضاوت تحکیمی» یا «قاضی تحکیم» وجود دارد که فقها به صورت مفصل ذیل مبحث قضا و شهادت به بررسی مشروعیت و احکام و شرایط آن پرداخته اند. و مشهور فقهای امامیه مشروعیت قاضی تحکیم و نفوذ حکم وی را پذیرفته اند. از جمله شیخ طوسی اعتقاد به عدم خلاف در این مسأله شده است. برخی با تعبیر «جاز عندنا» اینگونه قضاوت و حکمیت را جایز و آن را نظر فقهای امامیه دانسته اند فقهای عامه نیز به مشروعیت تحکیم فتوا داده اند.

به هر حال، در خصوص جایگاه نظریه قراردادی در فقه امامیه و دلیل مشروعیت بخشیدن به این نظریه، بایستی به ادله جواز قاضی تحکیم در قرآن، سنت، اجماع و عقل مراجعه نمود که جای پرداختن به این موضوع در پژوهش حاضر نیست. لذا ذکر این نکته خالی از فایده نیست که مهمترین دلیل مشروعیت آن سنت می باشد که در این باره بایستی به روایات وارده از جمله روایت آیت الله خوبی در اثبات مشروعیت قضاوت تحکیمی به روایت ابی خدیجه استناد کرده و سند آن را بی اشکال دانسته است. در این روایت آمده است: «مبادا یکی از شما دیگری را نزد اهل جور به محاکمه بکشاند. بنگرید و مردی از خودتان را که پاره ای از احکام ما را می داند میان خودتان قاضی قرار دهید من نیز وی را قاضی قرار میدهم. بنابراین نزد وی تحاکم کنید». [۱۴]

اینگونه استدلال گردیده که عبارت «فاجعلوه» و «فلیرضوا» با قاضی تحکیم سازگاری دارد. زیرا اگر منظور قاضی تحکیم نباشد «رضایت» و «جعل» طرفین چه لزومی داشت بلکه کافی بود بفرمایید در صورت اختلاف و منازعه به کسی که پاره ای از احکام ما را میداند مراجعه کنید. استفاده امام از تعبیر رضایت و تجعل به جای مراجعه یعنی که اگر شما به کسی راضی شدید من هم آن را قبول دارم و شما نزد چنین کسی تحاکم کنید. [۷] آیت الله خوبی دلالت این روایت را بر نصب ابتدایی قاضی از جانب امام نمی پذیرد و معتقد است. روایت نظری به نصب قاضی ابتدایی غیر تحکیم ندارد چرا که سخن امام (ع) که فرموده: «مانی قد جملاته قاضیاً» متفرع است بر این سخن او که فرموده اجعلونه بر منظور از فاجعلوه، همان قاضی است که اطراف دعوا آن را پذیرفته اند. نتیجه این می شود که هر کس را طرفین حکم قرار دهند. امام نیز وی را قاضی قرار داده است. [۱۵]

اما در خصوص جایگاه این نظریه در قوانین و مقررات ایران می توان بیان داشت که سامانه حقوقی ایران نظریه مزبور را مورد پذیرش قرار داده است و از مواد قانونی مربوطه می توان به این مهم پی برد. از جمله در ماده ۷۵۷ قانون اصول محاکمات حقوق مصوب ۱۲۸۹ شمسی که مقرر می دارد: «کلیه اشخاصی که صلاحیت دعوا را دارند می توانند منازعه خود را به حکمیت یک یا چند نفر که به عده طلاق به «تراضی» انتخاب کرده اند واگذار نمایند». همچنین در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و بندهای «الف» و «ب» ماده ۱ قانون داوری تجاری بین المللی مصوب ۱۳۷۶ نام برد.^۴

۲-۴- نظریه قضایی

^۴ - بندهای «الف» و «ب» ماده ۱ قانون داوری تجاری بین المللی مصوب ۱۳۷۶ مقرر می دارد: «الف» «داوری» عبارت است از رفع اختلاف بین متداعیین در خارج از دادگاه به وسیله شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی مرضی الطرفین و یا انتصابی.

ج) " - موافقتنامه داوری " توافقی است بین طرفین که به موجب آن تمام یا بعضی از اختلافاتی که در مورد یک یا چند رابطه حقوقی معین اعم از قراردادی یا غیر قراردادی به وجود آمده یا ممکن است پیش آید، به داوری ارجاع می شود. موافقتنامه داوری ممکن است به صورت شرط داوری در قرارداد و یا به صورت قرارداد جداگانه باشد.

مطابق این نظریه که به نظریه قضایی یا صلاحیتی معروف است، داوری واجد وصف قضایی است و حاکمیت دولت مافوق رضایت قراردادی طرفین قرار دارد. لذا برای اثبات نظریه قضایی بودن داوری باید استناد کرد به آیه ۳۵ سوره نساء، از اینرو شیخ طوسی در کتاب «خلاف» برای اثبات این نظر مشهور امامیه در مقابل نظر مخالف متعلق به برخی اهل سنت، معتقد است «ظهور کلام خداوند متعال در آیه «وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا...» بر تحکیم است. زیرا نفرموده است «فَابْعَثُوا وَكَيْلًا»، بلکه از عبارت «فَابْعَثُوا حَكَمًا» استفاده شده است. همچنین با توجه به اینکه در بیان احکام، اگر کلام مطلق باشد، مخاطب ائمه و قضات می باشد که می توان از جمله به عبارت «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» در آیه ۳۸ سوره مائده اشاره کرد. بنابراین خطاب متوجه زوجین نیست، زیرا، اگر متوجه ایشان بود از عبارت «فَابْعَثُوا» استفاده می نمود.» [۱۶]

با این وجود، این نظریه بر خلاف نظریه قراردادی بودن ماهیت داوری است. در واقع مطابق با این نظریه داوری قابل مقایسه با رسیدگی درون دادگاهی و به عبارت دیگر ادامه فرایند رسیدگی در دادگاه است و هدف از این نهاد رسیدگی نسبت به اختلاف طرفین بر اساس و مبنای همان اصولی است که در رسیدگی دادگاهی رعایت می شود. این تلقی بازتاب این امر است که داوری صرفاً در حوزه قضایی یک کشور و به شرط اجازه قانون می تواند برگزار شود. [۱۷] به دیگر سخن، داوری برای آن نظام حقوقی مفید است و توسط آن نظارت می شود. حاکمیت اراده دارای اثر کم یا فقط محدود به انتخاب داوری به عنوان شیوه حل و فصل اختلاف است. این انتخاب، صرفاً به این دلیل مؤثر است که قانون به عنوان یکی از جلوه ها و مظاهر حاکمیت و صلاحیت دولت ها آن را شناسایی کرده و به آن اثر بخشیده است. بنابراین هر دولتی اختیار نظارت و تنظیم داوری در کشور خود را دارد طرفین داوری فقط تا جایی می توانند به داوری رجوع کنند که صریحاً یا ضمناً در قانون محل داوری اجازه داده شده یا پذیرفته شده است.

نظریه قضایی، به اهمیت اختیارات نظارتی دولت به ویژه دولتی که داوری در آن صورت می گیرد توجه می کند اگرچه طبق نظر برخی از قائلین به این نظریه، بحثی در مورد این که منشأ داوری توافق نامه طرفین است وجود ندارد اما بر اساس این نظریه اعتبار توافق نامه داوری و آیین داوری نیازمند به نظارت یک قانون ملی است و اعتبار رأی داوری به وسیله قانون مقرر داوری و با قانون کشوری که شناسایی یا اجرای رأی از آن خواسته می شود تعیین می گردد.

طرفداران این نظریه اعتقاد دارند که داوران شبیه قضات دادگاه های ملی هستند و اختیارات داوران ناشی از دولت و حکومت است که به وسیله قانون اعطاء می شود. همانند قضات داوران ملزم به اعمال قواعد قانونی یک دولت خاص برای حل و فصل اختلافات ارائه شده به آنها هستند. به علاوه آراء صادره به وسیله داوران دارای همان وضعیت و اثر آراء صادره به وسیله قضات دادگاه های ملی است. آراء داور به وسیله دادگاهی که شناسایی یا اجرای رأی از آن خواسته می شود به همان طریقی که آراء قضات به وسیله دادگاه ها اجرا می شود به اجرا در می آیند. [۱۴] بنابراین، از مجموع مطالب ذکر شده در خصوص نظریه قضایی بودن ماهیت داوری این موضوع روشن می

شود که هر چند محاکم ملی نظام حقوقی ایران در مراحل و موضوعات مختلف مربوط به داوری دخالت می نمایند ولی نمی توان به صورت مطلق قائل به پذیرش نظریه قضایی بودن ماهیت داوری شد با توجه به انتقادات وارده به این نظریه نهاد داوری از جنبه های متعددی با رسیدگی از طریق دادگاه متفاوت می باشد و طرفین اختلاف در رسیدگی از طریق داوری آزادی عمل بیشتری در مقایسه با رسیدگی از طریق دادگاه دارا می باشند.

۳-۴- نظریه مختلط یا مرکب

این نظریه توسط پروفسور سورویل (Surville) مطرح و به وسیله پروفسور سوزر هال (Sauser-Hall) توسعه داده شده است که استدلال می کرد داوری نمی تواند ورای هر نظام حقوقی وجود داشته باشد. قانونی باید باشد که اعتبار موافقتنامه داوری و قابلیت اجرای آن را معلوم کند. [۱۸] از اینرو، این نظریه ترکیبی از دو نظریه قبلی (قراردادی و قضایی) است. طبق این نظریه ماهیت حقوقی داوری، بدو با قرارداد داوری (موافقتنامه داوری) شکل می گیرد و در ادامه برای رسیدگی به اختلاف طرفین و حل و فصل آن باید از اصول رسیدگی قضایی تبعیت کند و داوران نمی توانند بر اساس وجود قرارداد داوری خود را از قواعد و قوانین آمره جدا بدانند و به آن ملزم نشوند، بنابراین ماهیت حقوقی داوری هم ناشی از وجود قرارداد داوری و هم قوانین حاکمیت بر رسیدگی آنها حکومت دارد. این نظریه در میانه دو نظریه قراردادی و قضایی قرار گرفته و از هر دو عنصر برخوردار است در نتیجه، عناصر صلاحیتی و قراردادی داوری به طور جدایی ناپذیر در هم تنیده شده است. در واقع، نهاد داوری هر چند بر آزادی اراده طرف ها مبتنی است ولی فارغ از نظارت و تنظیم دولت نیست. [۱۹]

طرفداران این نظریه در راستای توجیه دیدگاه خود به ترکیب داوری از ارکان قراردادی و قضایی استناد می کنند و معتقدند که مأموریت داور حل و فصل دعوی و صدور حکم میان طرفین اختلاف است، وصفی که بیان کننده رکن قضایی داوری می باشد، رکنی که وجه تمایز داوری از نهادهای حقوقی مشابه از قبیل کارشناسی، میانجیگری و سازش که فاقد کارکرد قضایی هستند، می باشد. و از طرف دیگر این رکن قضایی یک مبنای قراردادی دارد. داور قدرت قضاوت را از اراده مشترک طرفین می گیرد، رکنی که وجه ممیزه نهاد داوری از دادرسی دادگاه های دولتی است. [۱۶]

در خصوص جایگاه نظریه مختلط در حقوق ایران باید گفت که در قوانین و مقررات مختلف نهاد داوری در ایران حاکمیت اراده طرفین در خصوص داوری نقش تعیین کننده ای در مورد جنبه های مختلف این نهاد دارد. اکثریت موارد داوری در ایران داوری های اختیاری هستند که بر توافق ما بین طرفین بنا نهاده شده اند و اولین مورد از نقش اراده طرفین در این نهاد همین آزادی آنها در ارجاع اختلاف خود به داوری می باشد.

از طرفی در خصوص جنبه های مختلف نهاد داوری قوانین ایران حداکثر آزادی را به طرفین در تنظیم قرارداد داوری داده اند به گونه ای که طرفین می توانند در خصوص قانون ماهوی حاکم بر اختلاف، آیین رسیدگی داوران، تعداد داوران، شرایط عزل و جرح داوران و دیگر موضوعات این

نهاد آزادانه توافق نمایند. از سوی دیگر قانون داوری تجاری بین المللی مصوب ۱۳۷۶ الگو گرفته از قانون نمونه آنسیترال می باشد و در قانون نمونه نیز آزادی اراده طرفین به رسمیت شناخته شده است که از جلوه های آن می توان به پذیرش اصل استقلال شرط داوری از قرارداد اصلی و اصل صلاحیت داوران در تشخیص صلاحیت خود در رسیدگی به موضوع یاد کرد که این دو اصل نیز در قانون مذکور مورد پذیرش قانونگذار قرار گرفت. پس نقش اراده طرفین در نهاد داوری در ایران به تبع تحولات بین المللی نمایان است.

اما همانگونه که در ذیل نظریه قضایی بودن ماهیت داوری توضیح داده شد نمی توان منکر دخالت دادگاه ها در نهاد داوری شد و این موضوع با بررسی مراحل مختلف دخالت دادگاه ها در این نهاد روشن شد به گونه ای که دادگاه های ایران می توانند یک رأی صادره از سوی داوران را ابطال کنند یا با امتناع از شناسایی و اجرای رأی داوران هدف اصلی این نهاد را که اجرای رأی صادره می باشد را زیر سوال ببرند. از سوی دیگر در قوانین و مقررات داوری مواردی از داوری الزامی یا به عبارتی غیر اختیاری مورد پیش بینی قرار گرفته است که در این نوع از داوری دیگر سخن از حاکمیت اصل اراده در این نهاد صحیح نیست بلکه این قدرت حاکمیت است که جنبه های مختلف این نوع از داوری ما را کنترل می کند. از طرفی در ایران همانند بسیاری از کشورها آراء داوری به خودی خود قابلیت اجرا ندارد و این دستور دادگاه است که به رأی داوری قدرت اجرایی می بخشد.

بنابراین، با توجه به مطالب ذکر شده می توان گفت که در کشور هم جنبه های قراردادی و هم جنبه های قضایی در نهاد داوری وجود دارد که این امر می تواند دلالت بر پذیرش مختلط با ترکیبی بودن ماهیت داوری در ایران داشته باشد. در پایان نظریه یکی از نویسندگان در این خصوص ذکر می گردد که معتقد است: «... داوری ماهیت مختلطی دارد و قواعد آن نیز به همین علت مرکب است. داوری مرجع دادگستری است و داوری قدرت خود را از دو قرارداد منعقد بین طرفین از یک طرف بین داور و طرفین از طرف دیگر می گیرد. بنابراین نباید فقط یکی از آن دو را در نظر گرفته و تنظیم همه قواعد داوری را به آن نسبت دهیم». [۱۱]

۴-۴- نظریه مستقل

طرفداران این نظریه معتقدند که ماهیت حقوقی داوری نه قراردادی است نه قضایی و نه ترکیب از هر دو آنها، بلکه ماهیتی مستقل از آنها دارد و نظام آن مستلزم تکمیل هنجارهای نظام قراردادی و قواعد نظام قضایی است و دارای نظام خاص خود است که مستلزم ملاحظات یک ساز و کار مستقل از عناصر قراردادی و قضایی است. [۲۰] در نظریه استقلال، به داوری ماهیت مستقل داده و آن را قابل مقایسه با دادرسی نمی داند که حتماً باید از مقررات دادرسی تبعیت کند و مطابق این نظریه، طرفین قرارداد آزادی کامل دارند که هر قانونی را که تمایل دارند به عنوان قانون شکلی حاکم بر داوری انتخاب کنند ولو اینکه قانون مزبور قانونی متفاوت از قانون کشور مقرر داوری باشد. ارجاع دعاوی ایران و آمریکا به داوری از جمله مواردی است که داوری خارج از حیطه یک قانون ملی شکل گرفته و تابع قواعد حقوق بین الملل قرار گرفته است. [۹]

با این وجود، در خصوص جایگاه نظریه مستقل بودن ماهیت نهاد داوری در حقوق ایران باید گفت که این نظریه به صورت مستقل از سوی نویسندگان حقوقی مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است چرا که این نظریه نسبت به سایر نظریات مطرح شده در این خصوص هم در عرصه بین المللی و هم در حقوق ایران یک نظریه نسبتاً جدید می باشد. لذا، از نظر قائلین به این نظریه کنوانسیون نیویورک آغاز پیدایش این نظریه است و در قوانین و معاهدات بین المللی دیگر از جمله قانون نمونه آنسیترال این نظریه هرچند نه به صورت صریح بلکه با استنباط از مواد این قوانین قابل استنباط می باشد. موادی که بر اصولی همچون اصل حاکمیت اراده، اصل استقلال شرط داوری، اصل صلاحیت در تعیین صلاحیت، اصل عدم مداخله دادگاه های ملی، تأکید و به صورت ضمنی دلالت بر وجود این نظریه دارد.

اکثر این اصول در قانون داوری تجاری بین المللی ۱۳۷۶، که از قانون نمونه آنسیترال اقتباس شده است مورد تصریح قرار گرفته است و شاید همین امر بتواند دلیلی پذیرش این نظریه در حقوق ایران داشته باشد به تبع این قانون یکی از نویسندگان در خصوص این نظریه اظهار نظر کرده است که و تصویب قانون داوری تجاری بین المللی در سال ۱۳۷۶ و اعطای صلاحیت به دیوان داوری جهت تشخیص صلاحیت خود که تقریباً به صورت جهان شمولی در کنوانسیون های داوری بین المللی قوانین ملی مورد پذیرش قرار گرفته است، اظهار نظر راجع به وجود یا اعتبار موافقتنامه داوری استقلال شرط داوری از قرارداد اصلی و امکان صدور دستور موقت همگی در راستای خودبندگی داوری و گامی مثبت در راستای تحقق آرمان های استقلال طلبانه داوری بین المللی تلقی می شود و باید پذیرفت و به «یمن تصویب قانون داوری تجاری بین المللی داوری در ایران به سوی اعطای آزادی بیشتر به طرفین داوری در گزینش خواهد و آیین داوری و در نتیجه مداخله کمتر محاکم داخلی در روند آن سوق پیدا می کند» [۲۱]

ولی آنچه که از بررسی قوانین و مقررات کنونی نظام حقوقی ایران قابل استنباط است این است که با وجود پذیرش قانون نمونه آنسیترال و انعکاس آن در قانون داوری تجاری بین المللی در وضعیت فعلی، سخن گفتن از ماهیت مستقل داوری در حقوق ایران صحیح نیست چرا که با ملاحظه قوانین و مقررات مربوط به داوری همانگونه که در ذیل نظریه قضایی و قراردادی بودن ماهیت داوری مورد بررسی قرار گرفت. از طرفی موارد دخالت دادگاه های ایران در امر داوری در مرحله پس از صدور رأی به خصوص شناسایی و اجرای رأی بسیار زیاد می باشد به گونه ای که دادگاه ها در موارد زیادی به ابطال رأی داوری اقدام نموده اند.

دلیلی دیگری که می تواند موید عدم پذیرش این نظریه در حقوق ایران باشد این نکته است که با وجود اینکه اصل عدم مداخله دادگاه در امر داوری در قانون نمونه آنسیترال مورد پذیرش قرار گرفته است ولی این موضوع در قانون داوری تجاری بین المللی منعکس نشده است. از سوی دیگر رأی داوری در ایران تنها از طریق دستور دادگاه اجرا می گردد و آن شیوه خود آیین رأی صادره که توسط طرفداران این نظریه مطرح شده است در ایران وجود ندارد.

از طرف دیگر نقش اراده طرفین در امر داوری را در ایران نمی‌توان نادیده گرفت چرا که اختیار بسیاری از امور مربوط به داوری به دست طرفین می‌باشد و موافقتنامه داوری در این خصوص اهمیت بسیار زیادی دارد در حالی که همانطور که در ذیل این نظریه توضیح دادیم این واقعیات از سوی طرفداران این نظریه آن چنان که باید و شاید مورد پذیرش قرار نگرفته است. در خصوص این نظریه یکی از نویسندگان با بیان نظرات دیگران و با جمع بندی در خصوص رد نظریه مستقل این چنین اظهار نظر کرده است که: «ایرادی که به این نظریه وارد می‌باشد، این است که رأی داور لزوماً باید به اجرا در بیاید و دارای ضمانت اجرایی باشد. به همین منظور، نقش دولت‌ها و قانون را نمی‌توان نادیده گرفت. در واقع داوری باید از یک نظام قانونی ملی سرچشمه بگیرد، زیرا موفقیت داوری، در اجرای موفقیت آمیز رأی داوری قرار دارد.

برخلاف نظریه قراردادی و قضایی و مختلط با پذیرش این نظریه ممکن است اجرای رأی داور با مشکل روبرو شود زیرا این نظریه فراتر از واقعیت‌های داوری بین‌المللی مدرن است. در مورد رد نظریه مستقل بودن ماهیت نهاد داوری باید گفت که این نظریه یک نقص بسیار مهم هنجاری دارد.

این نظریه منشأ هنجاری موافقت نامه داوری لازم الاجرا را نادیده گرفته و به دشواری با واقعیت منطبق است موافقتنامه داوری به عنوان یک توافقنامه الزام آور قانونی تا جایی اعتبار دارد که از حمایت حاکمیت بهره‌مند باشد اشکال دیگر این نظریه این است که در فقدان تنظیم قواعد داوری به وسیله قانون ملی امکان مطلوبیت فرآیند داوری تضمین نمی‌گردد. شیوه خود آیین، نظامی تخیلی در به چالش کشیدن نظم حقوقی کشور محل داوری و انعقاد موافقتنامه‌های خصوصی است. در نتیجه داوری بین‌المللی به مساعدت مقامات قانونی مقر دادگاه در انجام داوری وابسته است». [۲۲]

در مجموع به نظر می‌رسد قانونگذار ایران قائل به ماهیت ترکیبی (قراردادی و قضایی) برای نهاد داوری است. امکان رجوع توأمان طرفین از داوری حتی بعد از صدور رأی براساس ماده ۴۸۱ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، حاکی از توجه قانونگذار به اراده مشترک طرفین است و از طرفی تجدیدنظر ناپذیری آراء داوری تبلور ماهیت قضایی داوری می‌باشد.^۵

بدین ترتیب بعد از صدور رأی، داوری در ماهیت قضایی می‌یابد و رأی صادره نسبت به طرفین قطعی و لازم الاجرا می‌گردد. عدم امکان رجوع از آن برای هیچ یک از طرفین اختلاف به معنای نفی ماهیت صرفاً قراردادی داوری می‌باشد. به عبارت دیگر قصد مشترک طرفین تنها در مرحله انشاء اولیه اهمیت داشته که پذیرفته اند اختلاف خود را به طور قطعی و نهایی از طریق داوری حل و فصل کنند و برای حل و فصل اختلاف دوباره به دادگاه مراجعه نکنند و پس از مراجعه و صدور رأی هیچ یک نمی‌تواند به استناد قراردادی بودن داوری و عدم رضایتش نسبت به رأی صادره از آن عدول نماید.

^۵ - در همین راستا ماده ۴۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ مقرر می‌دارد: «اعتراض به رأی داوری مانع اجرای آن نیست».

نتیجه گیری

در خصوص ماهیت نهاد داوری به طور کلی حقوقدانان، چهار نظریه قراردادی، قضایی یا صلاحیتی، مختلط یا ترکیبی و مستقل را مطرح کرده اند. لذا براساس نظریه قراردادی تکیه نهاد داوری بر قرارداد است و داوران قدرتی به غیر از آنچه از قرارداد کسب می نمایند، ندارند و تصمیم آنها تکمیل و به انجام رسانیدن قراردادی است که اجرای آن را تضمین می نماید. لذا به نهاد داوری نمی توان ماهیتی غیر از ماهیت قراردادی اعطا نمود از اینرو در فقه و با توجه به این نظریه می توان گفت که منظور از قاضی تحکیم همان داوری قراردادی است. در خصوص نظریه قضایی به اهمیت اختیارات نظارتی دولت به ویژه دولتی که داوری در آن صورت می گیرد توجه می کند و از این نظریه می توان این نتیجه را گرفت که هر چند محاکم ایران در مراحل و موضوعات مختلف مربوط به داوری دخالت می نمایند ولی نمی توان به صورت مطلق قائل به پذیرش نظریه قضایی بودن ماهیت داوری شد. نظریه مختلط، نظریه ای که می توان گفت در سامانه حقوقی ایران قابل پذیرش است و با توجه به مواردی که بیان شد این نظریه ترکیبی از نظریه قراردادی و قضایی می باشد و دارای هر دو جنبه است. در نهایت نظریه مستقل طرفداران این نظریه معتقدند که ماهیت حقوقی داوری نه قراردادی است نه قضایی و نه ترکیب از هر دو آنها، بلکه ماهیتی مستقل از آنها دارد و نظام آن مستلزم تکمیل هنجارهای نظام قراردادی و قواعد نظام قضایی است و دارای نظام خاص خود است که مستلزم ملاحظات یک ساز و کار مستقل از عناصر قراردادی و قضایی است و می توان گفت این نظریه از سوی نویسندگان حقوقی مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است. در مجموع به نظر می رسد قانونگذار ایران قائل به ماهیت ترکیبی (قراردادی و قضایی) برای نهاد داوری است. امکان رجوع توأمان طرفین از داوری حتی بعد از صدور رأی براساس مواد ۴۸۱ و ۴۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ حاکی از توجه قانونگذار به اراده مشترک طرفین است و از طرفی تجدیدنظر ناپذیری آراء داوری تبلور ماهیت قضایی داوری می باشد.

بدین ترتیب بعد از صدور رأی، داوری در ماهیت قضایی می یابد و رأی صادره نسبت به طرفین قطعی و لازم الاجرا می گردد. عدم امکان رجوع از آن برای هیچ یک از طرفین اختلاف به معنای نفی ماهیت صرفاً قراردادی داوری می باشد. به عبارت دیگر قصد مشترک طرفین تنها در مرحله انشاء اولیه اهمیت داشته که پذیرفته اند اختلاف خود را به طور قطعی و نهایی از طریق داوری حل و فصل کنند و برای حل و فصل اختلاف دوباره به دادگاه مراجعه نکنند و پس از مراجعه و صدور رأی هیچ یک نمی تواند به استناد قراردادی بودن داوری و عدم رضایتش نسبت به رأی صادره از آن عدول نماید.

منابع

قرآن مجید.

- [۱] حمزه پور، فاطمه، ۱۳۹۹، بررسی جایگاه داوری از منظر فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد (حقوق خصوصی)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بهشهر.
- [۲] خزاعی، حسین، ۱۳۸۶، رأی داور در حقوق داخلی و تجارت بین المللی، فصلنامه حقوق، دوره ۳۷، شماره ۳، ۱۲۶-۹۷.
- [۳] بردبار، محمدحسین، ۱۳۸۴، صلاحیت در دیوان های داوری بین المللی، دیوان داوری دعاوی ایران- ایالات متحده، تهران: انتشارات ققنوس.
- [۴] حیدری، مهدی، ۱۳۹۸، ماهیت و مبنای داوری در حقوق ایران و انگلیس، پایان نامه کارشناسی ارشد (حقوق خصوصی)، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
- [۵] حر عاملی، محمدحسن، ۱۴۱۶ هـ قمری، وسائل الشیعه، جلد ۱۸، چاپ سوم، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- [۶] آیت الله خویی، سید ابوالقاسم، ۱۴۰۲، ترجمه مبانی تکمله المنهاج، مترجم: علیرضا، سعید، جلد اول، چاپ هفتم، تهران: انتشارات خرسندی.
- [۷] شمس، عبدالله، بطحائی، سیدفرهاد، ۱۳۹۴، ماهیت حقوقی داوری، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۱۸، شماره ۷۰، ۲۹-۱.
- [۸] مصطفی، طاهر، ۱۳۹۸، مقایسه روش حل اختلاف داوری با روش قضایی، پایان نامه کارشناسی ارشد (حقوق خصوصی)، دانشگاه ارومیه.
- [۹] معین، محمد، ۱۳۶۰، فرهنگ فارسی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- [۱۰] مافی، همایون، روشنائی، ریحانه، ۱۳۹۴، آثار رأی داوری، فصلنامه (علمی و پژوهشی) فقه و تاریخ تمدن، دوره ۱، شماره ۴، ۳۱-۶۲.
- [۱۱] افتخار جهرمی، گودرز، ۱۳۷۸، تحولات نهاد داوری در قوانین موضوعه ایران: دستاورد آن در حوزه بین المللی، مجله تحقیقات حقوقی (دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی)، شماره ۲۷ و ۲۸، ۴۴-۱۳.
- [۱۲] مافی، همایون، ۱۳۹۷، شرحی بر قانون داوری تجاری بین المللی ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری.
- [۱۳] شمس، عبدالله، ۱۳۸۷، آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)، جلد سوم، چاپ هجدهم، تهران: انتشارات ادراک.
- [۱۴] شمس، عبدالله، ۱۳۹۴، آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)، جلد سوم، چاپ بیست و هشتم، تهران: انتشارات ادراک.
- [۱۵] طوسی ابوجعفر، محمد بن الحسن، ۱۴۱۸ هـ ق، خلاف، جلد ۴، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- [۱۶] شیروی، عبدالحسین، ۱۳۹۹، داوری تجاری بین المللی، چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت.
- [۱۷] هوشمند فیروزآبادی، حسین، بطحایی، فرهاد، ۱۳۹۶، بررسی ماهیت فقهی داوری، مجله پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۳، شماره ۴۸، ۱۹۲-۱۷۱.

- [۱۸] هوشمن دفیروزآبادی، حسین، ۱۴۰۱، مطالعه تطبیقی ماهیت داوری در حقوق غرب؛ حقوق ایران و فقه امامیه، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال نهم، شماره چهارم، ۳۷۳-۳۳۱.
- [۱۹] محمدزاده، محمود، ۱۳۸۱، اجرای احکام داوری تجاری بین المللی، نشریه کانون، شماره ۳۲، ۸۳-۶۱.

- [20] Kellor, Frances, 1941, Arbitration in action: A code for civil, commercial and industrial arbitrations, 1st edition, Harper, New York.
- [21] Belohlavek, A, 2011, The Legal Nature Of International Commercial Arbitration and the Effects of Conflicts between Legal Cultures, Journal law of Ukraine, No 2.
- [22] Hong-Lin, Yu, A Theoretical Overview of the Foundations of International Commercial Arbitration, p 274.